# شواهد دیگری از اقوال صحابه و علماء قرن اول و دوم

خب این یک چیزهایی است که آدم تعجب می‌کند. اما وقتی ما تحقیق تاریخی انجام دادیم، الآن برای ذهن قاصر من هیچ تعجب‌آور نیست. ابو حنیفه در فضای بزرگ شده بود که همه مردم کارشان بود. یعنی تلاوت قرآن به صورت نقل به معنا کارشان بود. آدم تعجب می‌کند چون اصلاً این فراموش شده است. جالب این است که روایت کافی در آن فضا صادر شده است. «سبعة احرف» هم که از روز اول به اشتباه، ابن مسعود و دیگران شروع کردند؛ از صحابه هم شروع شد؛ ابن تیمیه می‌گوید «کذبوا علی ابن مسعود»؛ به او دروغ نسبت می‌دهند. می‌گویند ابن مسعود گفته خودت می‌توانی بدون سماع و به‌صورت نقل به معنا قرآن را بخوانی. در تفسیر ابن وهب[1] الآن در الشامله موجود است. شاگرد مالک است. مالک از فقهای اربعه آنها است. می‌گوید از او پرسیدم که این کار ابن مسعود را قبول دارید؟ گفت «لا اری به باساً». نمی‌توانست «طعام الاثیم» را بگوید، می‌گفت «طعام الیتیم» یا «طعام اللئیم». گفت بگو «طعام الفاجر». وقتی نمی‌توانی «اثیم» را بگویی، بگو فاجر.

ذهبی[2] در شرح حال واصل بن عطاء آورده؛ واصل بن عطاء رئیس المعتزله است. خب عامه با او بد هستند. ذهبی در سیَر اعلام النبلاء وقتی می‌خواهد شرح حال واصل را بگوید، می‌گوید «وقيل: كان يجيز التلاوة بالمعنى». واصل بن عطاء متوفی ۱۳۰ هست. یعنی درست در نیمه اول قرن دوم است. واصل بن عطاء می‌گفت می‌توانید قرآن را قرائت به معنی کنید. بعد می‌گوید «و هذا جهل». چون زدن ذهبی از بزرگان علماء نیست. او را رئیس معتزله می‌دانند. می‌گوید «هذا جهل» و یک سر خنجر به او می‌زند. اما در همین کتاب –اینها جالب نیست؟!- در شرح حال زهری چه می‌گوید؟ زهری کسی است که ذهبی در مقابلش دست به سینه است. زهری از بزرگان محدثین‌شان است.

شاگرد: زهری همان ابن شهاب است؟

استاد: بله، بزرگترین محدث آنها است. شوخی نیست. در ۱۲۴ وفات کرده است. یعنی هفت-هشت سال قبل از واصل. اینها معاصر بودند.

در شرح حال زهری می‌گوید:

> سألت الزهري عن التقديم والتأخير في الحديث، فقال: إن هذا يجوز في القرآن، فكيف به في
> الحديث؟إذا أصيب معنى الحديث، ولم يحل به حرام، ولم يحرم به حلال، فلا
> بأس، وذلك إذا أصيب معناه[3]

**«سألت الزهري عن التقديم والتأخير في الحديث»؛** مطلبی شنیده‌ام اما من آن را عقب و جلو کنم؛ یعنی عبارت یادم نیست. همینی که در روایات شیعه هست. از امام علیه‌السلام سؤال می‌کند ابان رسول الله من از شما حدیث می‌شنوم اما عبارات شما یادم نیست. ولی آن را نقل می‌کنم –یعنی نقل به معنا- آیا جایز است؟ حضرت می‌فرمایند **اذا اصبت المعنى فلا بأس»؛** اگر مقصود من را بگویی هیچ مشکلی ندارد. خب کجا همه عین عبارات یادشان می‌ماند؟! همین را از زهری در حدیث می‌پرسد.

**«قال: إن هذا يجوز في القرآن، فكيف به في الحديث؟»؛** کاری که در قرآن جایز است، تو در حدیث مشکل داری؟! اینجا دیگر چیزی نمی‌گویی. ذهبی چون در مقابل زهری دست به سینه است، دیگر نمی‌گویی که «هذا جهلٌ». محقق کتاب که در زمان ما است دیده که چاره‌ای نیست. لذا در پاورقی کتاب می‌گوید: «التقديم والتأخير في القرآن بالنسبة للألفاظ لا يجوز ولو لم يتغير المعنى»؛ آقای ذهبی کجایی؟! آن جا می‌گویی جهل است و اما در اینجا چیزی نمی‌گویی. اما محقق کتاب گفته است. نمی‌دانم چه کسی این کتاب را تحقیق کرده است. البانی است یا خطیب است یا شعیب ارنؤوط است.

شاگرد: این مطلبی که می‌فرمایی از طبع الرساله است؟

استاد: بله، به نظرم طبع الرساله تحقیق شعیب ارنؤوط است.

شاگرد: به اشراف ارنؤوط است.

استاد: بله، اینها در تحقیق کتاب به زهری ایراد گرفته‌اند. بابا چه ایرادی می‌گیری؟ در نیمه دوم قرن دوم به‌خاطر زحمات قرّاء این فضا از بین رفت. دیگر در قرن سوم خجالت می‌کشیدند که بگویند قرآن را به نقل به معنا می‌خوانم. این فتوای ابو حنیفه خجالت آور بود. یعنی بگویند با اینکه عربی بلد هستی اختیارا می‌توانی ترجمه بخوانی.

---

[1] تفسير القرآن من الجامع لابن وهب (٣/ ٥٤)

117 - قال: وحدثني الليث بن سعد عن محمد بن عجلان عن عون بن عبد الله يرفع الحديث إلى عبد الله بن مسعود أنه كان يقرئ رجل [ص:٥٥] أعجمي هذه الآية: {إن شجرة الزقوم طعام الأثيم}، فيقول الأعجمي: طعام اليتيم؛ فقال ابن مسعود: أتستطيع أن تقول طعام الفاجر، قال: نعم، قال: فاقرأ كذلك.

118 - قال: وحدثني مالك بن أنس قال: أقرأ عبد الله بن مسعود رجلا: {إن شجرة الزقوم طعام الأثيم}، فجعل يقول: طعام اليتيم، فقال له عبد الله: طعام الفاجر؛ قال: قلت لمالك: أترى أن تقرأ كذلك، قال: نعم، أرى ذلك واسعا.

[2] سير أعلام النبلاء ط الرسالة (٥/ ٤٦٤) ؛ واصل بن عطاء أبو حذيفة المخزومي مولاهم البليغ، الأفوه، أبو حذيفة المخزومي مولاهم، البصري، الغزال..... وهو وعمرو بن عبيد رأسا الاعتزال، طرده الحسن عن مجلسه لما قال: الفاسق لا مؤمن ولا كافر.فانضم إليه عمرو، واعتزلا حلقة الحسن، فسموا المعتزلة، قال شاعر:وجعلت وصلي الراء لم تلفظ به ...وقطعتني حتى كأنك واصلوقيل: لواصل تصانيف.وقيل: كان يجيز التلاوة بالمعنى، وهذا جهل.

[3]سير أعلام النبلاء ط الرسالة (٥/ ٣٤٧)

بازبینی #6
ایجاد شده 11 مارس 2024 17:39:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 15:42:41 توسط ... .